

جامعه‌شناسی ۲

۱-گزینه «۳» - در دیدگاه گروهی که جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند، جهان تکوینی ماده خامی است که فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در آن دخل و تصرف می‌کنند. در این دیدگاه جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند. (نبی‌زاده) (درس اول - صفحه ۸) (آسان)

۲-گزینه «۲» - تمامی پدیده‌های جهان هستی، محصول زندگی انسان نیستند و در مقابل جهان انسانی، جهان تکوینی قرار دارد. این جهان، پیش از انسان هم بوده و وجود آن مستقل از خواست و اراده انسان است. (نبی‌زاده) (درس اول - صفحه ۶) (متوسط)

۳-گزینه «۴» - نمودار فوق بیانگر دیدگاه دوم است. براساس این دیدگاه، جهان ذهنی و فردی افراد، تابع فرهنگ آن‌هاست و این گروه، جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان تکوینی می‌دانند. (نبی‌زاده) (درس اول - صفحه ۸) (متوسط)

۴-گزینه «۲» - وقتی فردی کتابی می‌نویسد یا مجسمه‌ای می‌سازد، یا به دیگری مهر می‌ورزد، از جهان فردی (جهان ذهنی) به جهان اجتماعی (جهان فرهنگی) وارد می‌شود. - با ارزش جهان شمول عدالت است که می‌توان از تفرقه بین جوامع و تباه شدن منابع و امکانات بشر جلوگیری کرد.

- براساس دیدگاه اول، طرفداران آن بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوتی قائل نیستند که همین نادیده گرفتن، ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را از علوم انسانی و اجتماعی سلب می‌کند. - فارابی، جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد، اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، «مدینه فاسقه» می‌نامد. (نبی‌زاده) (درس اول و دوم - صفحه ۵، ۷، ۱۳ و ۱۵) (دشوار)

۵-گزینه «۳» - برخی فرهنگ‌ها جبرگرا و غیرمسئول هستند. آن‌ها نقش انسان‌ها در تعیین سرنوشت‌شان را انکار می‌کنند، قدرت مقاومت را از آدمیان می‌گیرند و آن‌ها را به موجوداتی منفعل تبدیل می‌کنند. چون نمی‌توانند روحیه تعهد و مسئولیت را در انسان‌ها ایجاد کنند.

- فرهنگی که فاقد معنویت باشد و صرفاً متوجه نیازهای مادی و دنیوی انسان است و از نیازهای ابدی و معنوی او چشم‌پوشی می‌کند، بشر را به بحران‌های روحی و روانی گرفتار می‌سازد. - فرهنگ‌هایی که به حقیقتی قائل نباشند، نمی‌توانند معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف داشته باشند و در نتیجه نمی‌توانند از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کنند. (نبی‌زاده) (درس دوم - صفحه ۱۵ و ۱۶) (متوسط)

۶-گزینه «۴» - به ترتیب فرهنگ‌های اسلام، ژاپن، اینکاها و مسیحیت، تداوم تاریخی بالا و گستره جغرافیای وسیع، تداوم تاریخی بالا، گستره جغرافیایی محدود و تداوم تاریخی بالا دارند.

(نبی‌زاده) (درس دوم - صفحه ۱۱) (متوسط)

۷-گزینه «۲» - ۲ عبارت دوم و سوم درست می‌باشد ولی عبارت‌های اول و چهارم نادرست می‌باشد. زیرا:

- استعمار نو (نه فرانو)، پس از شکل‌گیری جنبش‌های استقلال‌طلبانه کشورهای مستعمره، طی قرن بیستم به وجود آمد.

- غلبه نظامی گرچه به حضور مستقیم مهاجمان در مناطق جغرافیایی مورد تهاجم منجر می‌شود، همواره گسترش فرهنگی آن‌ها را به دنبال نمی‌آورد.

(نبی‌زاده) (درس دوم و سوم - صفحه ۱۲، ۱۳، ۲۰ و ۲۴) (آسان)

۸-گزینه «۱» - استعمار نوعی جهان‌گشایی و امپراتوری است که از قرن پانزدهم میلادی توسط اروپاییان آغاز شد و در قرن نوزدهم به اوج رسید. در این مدت تصرف اروپاییان از ۳۵ درصد کره زمین به ۶۷ درصد رسید. موفقیت‌های استعمار در این دوران، ناشی از پیشرفت در زمینه‌های دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی بود.

(نبی‌زاده) (درس سوم - صفحه ۲۳) (آسان)

۹-گزینه «۳» - قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد، اگر هویت فرهنگی‌اش را حفظ کند با ضعیف شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم، می‌تواند استقلال سیاسی خود را به‌دست آورد و اگر فرهنگی غنی و قوی داشته باشد، می‌تواند گروه مهاجم را در فرهنگ خود هضم کند و به خدمت گیرد. (نبی‌زاده) (درس سوم - صفحه ۲۱) (متوسط)

۱۰-گزینه «۲» - دولت‌های استعمارگر(در استعمار نو) برای به قدرت رساندن نیروهای وابسته به خود، از کودتای نظامی استفاده می‌کنند و کودتای آمریکایی، انگلیسی نوژه، که با همکاری عوامل داخلی و خارجی دشمن و به قصد ضربه نهایی به انقلاب اسلامی ایران طراحی شد، نمونه شکست خورده کودتای نظامی توسط استعمار نو می‌باشد.

جهان غرب در استعمارفرانو، هویت فرهنگی دیگر کشورها را هدف قرار می‌دهد یعنی به عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر هجوم می‌برد.

در جامعه تغلب، مردم برای غلبه یافتن بر سایر ملت‌ها با یکدیگر همکاری می‌کنند که هدف این مردم، خوار و مقهور کردن دیگران است. آن‌ها نمی‌خواهند ملت مقهور، مالک جان و مال خود و ... باشد. (نبی‌زاده) (درس سوم - صفحه ۱۹، ۲۴ و ۲۵) (دشوار)